

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از : ا.م. شیری
۳۰ مارچ ۲۰۱۶

اسرار بیماری و مرگ "ستالین" و آغاز کارزار ستالین‌ستیزی اسرار فاش‌نشده مرگ "ستالین" (بخش سوم)

در قرار هیأت سیاسی در باره احتمال ارتباط گروه پارامی با مهاجران گرجستان، "که از اطلاعات امریکا... به نفع اطلاعات جاسوسی خود استفاده می‌کند..."، ذکر شده بود. در عین حال، قرار هشدار داده بود: "بی‌تردید، که اگر به اصل ضد حزبی حامی مینگرلی آزموده شده توسط رفیق پارامی، پاسخ لازم داده نشود، "حامیان" تازه از دیگر مناطق گرجستان، از کارتالینی، از کاخه‌تی، از ایمیرتی، از گوری، از راجی هم که می‌خواهند ایالات "خود" را سرپرستی کنند، از عناصر خطی به منظور تقویت نفوذ خود در میان "توده‌ها" حمایت خواهند کرد. و اگر این اتفاق بیفتد، حزب کمونیست گرجستان به یک تشکیلات امیرنشین‌های صاحب حاکمیت "واقعی" تنزل می‌یابد و از کمیته مرکزی حزب کمونیست (بلشویک) گرجستان و رهبری آن تنها یک نام ساده باقی می‌ماند.

"اصل حامی مینگرلی" نمی‌توانست فقط به گرجستان محدود باشد. هیچ کدام از جمهوری‌های متحده و استان‌های آنها از نقض قوانین سوسیالیستی در امان نبوده است. پیامد رشد "اقتصاد سایه" به حساب سوءاستفاده از مالکیت اجتماعی و ظهور گروه‌های مافیائی در ساختار حاکمیتی هنگامی که از رهبری کشور و حزب کمونیست "فقط یک نام ساده" باقی بماند، می‌تواند به سقوط اتحاد شوروی منجر شود. واضح است، که ظهور چنین پدیده‌ها در ۴۰ سال قبل از تجزیه اتحاد شوروی و تخریب سوسیالیسم باعث نگرانی ستالین می‌شد. با این حال، او در باره این موضوع به طور علنی صحبت نکرد. بعدها، آن پاسکرینشیف، منشی دائمی ستالین در مورد جرایم اقتصادی و نگرش مثبت نیروهای حافظ قانون به آنها در کنگره نوزده حزب سخن گفت. او در خصوص مبارزه ضعیف با سوءاستفاده کنندگان از مالکیت اجتماعی در استان‌های کیف و زاپاروژسکی اوکراین، در قرقیزستان و سایر جمهوری‌های متحده سخن به میان آورد.

به سختی می‌توان آن وضعیتی را که باعث شروع بحث علمی پیرامون فراگیری قوانین سوسیالیسم و سرمایه‌داری گردید و کتاب "مسائل اقتصادی سوسیالیسم در اتحاد شوروی"، اثر ستالین پاسخ آن بود، اتفاقی دانست. بحث علمی در ماه نومبر ۱۹۵۱ بلافاصله پس از بررسی "پرونده مینگرلی" در جلسه هیأت سیاسی آغاز گردید. "پرونده مینگرلی" نشان داد، که در کشور شوروی بورژوازی سایه موقعیت خود را تقویت می‌کند و اقتصاد سوسیالیستی را نابود می‌سازد.

ستالین در عین حال که اهمیت بزرگی به تجهیز نظری حزب قائل بود، آگاهی داشت که مبارزه با بورژوازی سایه و عوامل آن نه تنها نیازمند ابزارهای ایدئولوژیک، حتی نیازمند تدابیر سازمانی و اقدامات ساختارهای حافظ قانون می‌باشد. علاوه بر آن، ستالین به این نیز توجه داشت، که گروه‌های تشکیل شده بر اساس مشخصه‌های قومیتی و مرتبط با خارج از کشور، برای یافتن حامی نه تنها در سطح مقامات محلی، حتی در بخش ارشد مقامات کشور سعی می‌کنند. ستالین گمان می‌برد، که گروه بارامی بدون پشت‌گرمی به حمایت ل. پ. بریا، نماینده بلندپایه خلق مینگرلی، نمی‌توانست تشکیل شود و عمل کند.

قرار هیأت سیاسی به تاریخ ۲۷ مارچ سال ۱۹۵۲ زیر عنوان "وضعیت در حزب کمونیست گرجستان" هشدار تازه‌ای به بریا بود که در آن گفته می‌شد: "کار اصلاح اشتباهات و نواقص در فعالیت کمیته مرکزی حزب کمونیست (بلشویک) گرجستان رضایت بخش نیست، بسیار کند و با دشواری پیش می‌رود. بکندی اقدام کمیته مرکزی حزب کمونیست (بلشویک) گرجستان در مبارزه برای از میان برداشتن عواقب فعالیت خصمانه گروه بارامی موجب نارضایتی در ساختارهای حزبی و در میان افراد غیرحزبی گرجستان گردیده است... در روند بازجوئی معلوم شد که... گروه... قصد تصرف نهادهای قدرت در حزب کمونیست گرجستان را داشت و برای الغای حاکمیت شوروی در گرجستان تدارک می‌دید". بریا به منظور برگزاری پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست گرجستان در ماه اپریل، به تقییس اعزام شد، که طی آن ک. ن. چارکویانی (charkviani)، دبیر اول کمیته مرکزی حزب برکنار گردید.

اما در همان ماه ضربه محکمی به ولاسیک وارد شد. این بار کمیسیونی برای رسیدگی به کار اداره کل نگهداری بفوریت تشکیل گردید و ولاسیک، فرمانده آن را به همان اتهامی که او چند سال پیش علیه سرکیسوف اقامه کرده بود، متهم نمود. مالنکوف رئیس کمیسیون بود، اما بریا در کار آن شرکت داشت. به گفته ولاسیک، محاسبه مخارج برای نگهداری اقامتگاه، خودسرانه زیاد نشان داده شده بود. "بدون این که به من یا به معاون من اجازه توضیح درباره چگونگی ذکر این رقم افسانه‌ئی و اشتباه بودن آن داده شود، آن را عیناً به رفیق ستالین گزارش دادند".

همه مقامات رهبری کشور می‌دانستند که ستالین به مظاهر کلاهبرداری و فریبکاری چقدر دردمندانه واکنش نشان می‌دهد. به گفته و. س. ریاسنوی (Ryasnoy)، عضو این کمیسیون، ستالین هنگام آشنائی با نتیجه کار کمیسیون عصبانی شد. ۲۹ اپریل سال ۱۹۵۲، ولاسیک، قهرمان گارد نگهداری از مقام خود عزل گردید و به معاونت رئیس اردوگاه کار اجباری باژنوفسکی در شهر آبست (استان "سوردلوفسک") منصوب شد. بدین ترتیب، هدف سازماندهان "پرونده پزشکی" (حذف ولاسیک) تحقق یافت و تحقیقات در مورد این "پرونده" متوقف گردید.

ادامه دارد...

<http://www.sovross.ru/modules.php?name=News&file=article&sid=602321>

ویراستار اولی: حسین کوشی

۱۰ فروردین - حمل ۱۳۹۵